

نمایش قدرت زنان در مقابل قصرهای «امن» ارتجاع،

آکسیون در مقابل کاخ الیزه

گزارش مبارزات اعتراضی به سفر روحانی به پاریس

۲۷ و ۲۸ ژانویه ۲۰۱۶

یکی از پی‌آمدهای توافقات هسته‌ای این بود که بالاخره زمزمه‌های سفر رسمی سران جنایت‌کار جمهوری اسلامی به کشورهای اروپایی که پیش از توافقات طرح شده بود جنبه‌ی رسمی و عملی پیدا کرد و اعلام شد که روحانی در ماه نوامبر ۲۰۱۵ برای بازدید از ایتالیا و فرانسه و عقد قراردادهای اقتصادی و سیاسی راهی اروپا خواهد شد، هر چند که این سفر به علت کشتارهای ۱۳ نوامبر در پاریس به تعویق افتاد و در ماه ژانویه انجام گرفت. اعلان رسمی خبر این دیدار ما را بر این داشت که در پی این پیوند وقیحانه بین دو واپس‌گرای مردسالار، یعنی جمهوری اسلامی و امپریالیست‌های اروپایی، سکوت نکنیم و نگذاریم که این پیوند شوم که ماحصلی جز تشدید هرچه بیشتر فرودستی زنان و طبقات تحتانی نخواهد داشت در سکوت و «پیروزمندانه» صورت بگیرد. بر آن شدیم تا هر تعداد که هستیم و هر جا که هستیم صدای زنان ایران باشیم و یک لحظه در مقابل این سفر و سکوت هدفمند سیاسی و رسانه‌ای جهانی که تا پیش از برجام لحظه به لحظه دلواپس «حقوق بشر» در ایران بودند کوتاه نیاییم. همه جا و به حداکثر منافع هر دو واپس‌گرای مردسالار را در پس این اتحاد افشا کنیم و تا حدی که در توان داریم صدای زنان ایران باشیم.

به همین دلیل زمانی که در پروسه‌ی تدارک مبارزات‌مان علیه این سفر با فراخوان «کارزار اعتراضی علیه ۳۷ سال جنایات رژیم جمهوری اسلامی ایران» مواجه شدیم که موضع سرنگونی تمامیت نظام جمهوری اسلامی را تقویت می‌کرد، از آن حمایت و در آن شرکت کردیم، اما هدف‌مان محدود کردن خودمان به این برنامه و این چارچوب نبود. به همین دلیل هدف را حداکثر آگاهی‌رسانی به بخش مترقی جامعه فرانسه می‌دانستیم، خصوصاً در مورد شرایط زنان تحت یک حکومت دینی و عواقب تقویت بنیادگرایی مذهبی و امپریالیست‌ها در ایران و ضرورت همبستگی با مبارزات مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و خصوصاً همبستگی جهانی زنان علیه سیستم امپریالیستی مردسالار حاکم بر دنیا. این هدف در شعار مرکزی ما به این شکل مشخص شد: «ما نه تنها به سفر روحانی، بلکه به کلیت نظام مردسالار امپریالیستی حاکم بر جهان معترضیم!» و سعی کردیم اهمیت این مبارزه را در دو جلسه‌ی بحث و گفتگوی علنی (پالناک: ۸ نوامبر ۲۰۱۵ و ۲۴ ژانویه ۲۰۱۶) بیشتر توضیح بدهیم.

تجمع اعتراضی روز چهارشنبه ۲۷ ژانویه ۲۰۱۶ میدان رپوبلیک:



این تجمع به دعوت کمیته‌ی برگزاری برگزار شد. پیش از ساعات ۱۵ تعدادی از احزاب و سازمان‌های سیاسی با شعارها و پلاکاردهای خودشان به محل رسیدند و چون میدان بزرگ و پررفت و آمدی بود، حضور جمعیت توجه را به خود جلب می‌کرد. در میانه‌ی میدان به یاد جان‌باختگان حملات ماه نوامبر که یکی از اهداف آن رستورانی در اطراف همین میدان بود، انبوهی از گل، عکس و ... و پرچم فرانسه خودنمایی می‌کرد و نشان از جنایتی داشت که هنوز زخم آن تازه است. به سرعت در اطراف محل برگزاری آکسیون شعارها و پرچم‌ها و عکس‌های افشاگرانه از جمهوری اسلامی مستقر شد. هر نیرویی بنا به خط سیاسی‌اش، میزان و نوع مبارزه‌ی خود با جمهوری اسلامی را روشن می‌کرد. از تصاویر جانباختگان دهه شصت و کشتار انقلابیون در کردستان تا عکس زندانیان سیاسی و عقیدتی و مذهبی و ... و خواست رهایی فعالین دربند، از انقلاب کمونیستی و سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی تا مطالبه‌ی آزادی مطبوعات، از پرچم سرخ و ستاره تا پرچم کردستان و ... نشان از طیف وسیع و گوناگونی نیروهای شرکت کننده داشت. ما فعالین سازمان زنان ۸ مارس که در همکاری نزدیک با کمیته‌ی جوانان بلژیک و دیگر دوستان تدارک شرکت در این مبارزه را دیده بودیم نیز بزرگمان را که شعار مرکزی‌مان به دو زبان فرانسه و فارسی روی آن نوشته شده بود نصب کردیم. مجموعه‌ای از عکس‌هایی را که تدارک دیده بودیم و دلالت بر فقر و ستم مردم و جنایات جمهوری اسلامی داشت روی زمین چیدیم. سعی کردیم علاوه بر افشاگری از جنایات جمهوری اسلامی تا حدی مقاومت و مبارزه مردم را هم

منعکس کنیم. در بین عکس‌ها قوانین ضد زن جمهوری اسلامی، آمار تکان دهنده فقر، خشونت علیه زنان، اعدام و ... خصوصا در دوره ریاست جمهوری روحانی را هم به زبان فرانسه قرار داده بودیم و به این شکل عکس‌ها گویاتر بود. استقبال مردم خصوصا زنان و جوانان فرانسوی از عکس‌ها و تمایل‌شان برای گرفتن بیانیه‌های مان بعد از نگاه به قطار طولانی جنایات جمهوری اسلامی نشان می‌داد که در انتخاب این روش اشتباه نکرده بودیم. همچنین عکس‌های افشاگرانه از حجاب اجباری و پورنوگرافی که هر دو زنان را تبدیل به ابژه‌ی جنسی می‌کنند نیز از دور توجه عده‌ای را به خود جلب می‌کرد، خصوصا در روزگاری که هیچ کس جز جریانات فاشیست و راست که از زاویه‌ی واپس‌گرایانه و ابزارگرایانه به حجاب زنان مسلمان می‌تازند، هیچ نیروی مترقی جرأت و تمایل نقد حجاب اجباری را ندارد، این عکس‌ها باعث مکث بیشتری روی موضوع نقد و اعتراض ما می‌شد. زنان گروه ما که با تیشرت‌های سرخ و شعار «اگر زنان نشده باشند، هیچ کس رها نیست!» با سرزندگی بیانیه‌ها را در بین مردم پخش می‌کردند، هر کدام به نوعی داشتند این مواضع را در بین جمعیت ایرانی و غیرایرانی توضیح بدهند. با همه‌ی مشکلاتی که برقراری تماس به زبان فرانسه وجود داشت تلاش می‌کردیم تا موضوع مرکزی و اهدافمان را توضیح بدهیم. خیلی از زنان و مردان با ما اعلام همبستگی می‌کردند. جوانان و نوجوانانی که معمولا به شکل گروهی به جمع ما نزدیک می‌شدند ابتدا متوجه عکس‌ها می‌شدند و بعد از چند دقیقه می‌دیدیم که در حال بحث و جدل در مورد عکس‌ها و افشاگری‌ها هستند. زن جوانی که با بچه و کالسه‌اش عبور می‌کرد به قدری تحت تأثیر قرار گرفت که گفت من چند دقیقه به علامت همبستگی با فرزندم کنارشان می‌ایستم اما متأسفانه باید کار کنم وگرنه پیش شما باز می‌گشتم. مرد جوان فرانسوی در مورد عکس‌های مبارزاتی زنان سوال می‌کرد و دوست دیگری در حال توضیح تاریخ یک عکس بود که مربوط به مبارزات زنان در ۸ مارس ۵۷ بر علیه حجاب اجباری بود.

در حالی که مشغول بحث و گفتگو و پخش بیانیه در بین مردم بودیم، پیام‌هایی که سایر تشکلات و سازمان‌ها در حمایت از این آکسیون داده بودند را دنبال می‌کردیم هرچند پیام‌های تشکلات فرانسوی را نتوانستیم دنبال کنیم، پیام تشکلات فارسی زبان هم عمدتاً حول افشاگری از جمهوری اسلامی بود. در خلال برنامه فرصت کوتاهی هم فعالین سازمان زنان ۸ مارس داده شد تا پیام سازمان زنان ۸ مارس را به شرکت کنندگان برساند. * این پیام با استقبال زیادی رو به رو شد و زنان و مردان زیادی بعد از آن به ما مراجعه کردند و گفتند که این پیام به درستی منافع و خواست اکثریت زنان ایران را نمایندگی می‌کند و از حضورمان ابراز خرسندی کردند. یکی از زنان حاضر در جمع معتقد بود که باید این پیام به فرانسه خوانده می‌شد تا جامعه فرانسوی آن را درک کند. او که یکی از شرکت کنندگان بود، تلاش کرد تا برگزارکنندگان زمانی را به متن فرانسه این پیام اختصاص بدهند که به علت تراکم برنامه‌ها این امکان فراهم نشد. اما ما به او قول دادیم به حداکثر این پیام را در این دو روز به جامعه فرانسوی برسانیم. پیام «کمیتة زنان ضد سنگسار – پاریس» نیز عمدتاً روی مبارزات خستگی‌ناپذیر زنان بر علیه حجاب اجباری و ستم جنسیتی تأکید داشت، مبارزاتی که از روز به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی یعنی ۸ مارس ۵۷ تا به امروز در داخل و خارج از ایران ادامه داشته و خوشبختانه نسل جدیدی از زنان نیز وارد میدان مبارزه شده‌اند.

در بین پرچم‌ها و بنرها اما وجود پرچم سه رنگ ایران با آرم داس و چکش، عجیب و تأسف آور بود. وجود این پرچم نشان از این توهم داشت که پرچم سه رنگ، نماد وحدت ملی است و می‌توان جنایات تاریخی پشت آن را با داس و چکش پوشاند و یا این نماد ناسیونالیسم و سرکوب ملل تحت ستم در ایران را با نمادهای مبارزه‌ی انترناسیونالیستی تعدیل و تزیین کرد.

متأسفانه یکی از اشکالات برنامه این بود که تقریباً تمام آن به خواندن پیام اختصاص داده شد و زمان و شاید تمایلی به شعار دادن و افشاگری نبود؛ ما سعی کردیم حداقل در پایان برنامه با شعارهای «مرگ بر جمهوری اسلامی!»، «جمهوری ضد زن مرگت فرا رسیده!»، «جمهوری اسلامی فانوس رو به باد است!» و ... تا حدی به جو مبارزاتی بدمیم و هم توجه جمعیت اطراف آکسیون را جلب کنیم. در پایان هم که برگزار کنندگان سرود یار دبستانی را به عنوان اختتامه پخش کردند، در کنار دوستانی که اتفاقاً عده‌ای هم از فعالین سابق جنبش دانشجویی بودند دست در دست هم و به یاد مبارزات جنبش دانشجویی هم‌خوانی کردیم.

نمایش دیواری شبانه، افشاگری از جمهوری اسلامی در مرکز شهر پاریس (کتابخانه ژرژ پومپیدو) – ۲۷ ژانویه ۲۰۱۶:



▲ سرکوب زنان در ایران بس است!

در راستای افشاگری از جمهوری اسلامی تصمیم گرفتیم که با یک کار خلاقانه و جدا از آکسیون‌های معمول توجه جامعه فرانسوی را به ماهیت جمهوری اسلامی و اتحاد ارتجاعی فرانسه و ایران جلب کنیم. به همین دلیل یک اسکالپد چند دقیقه‌ای به زبان فرانسه تهیه کردیم که در آن به افشاگری از جمهوری اسلامی و خصوصا قوانین ضد زن آن پرداخته و لزوم همبستگی جنبش زنان در مقابل هر دو ارتجاع مردسالار و ... برای نمایش دیواری مشکلات زیادی جلوی پایمان بود اما با این وجود تمام مشکلات بعد از پایان آکسیون روز اول خودمان را به مقابل کتابخانه ژرژ پومپیدو رساندیم که محل پرفت آمدی است و هم دیوارهای مناسب چنین نمایشی داشت. در دو نوبت و در دو محل متفاوت اسلایدهایمان را به

کمک یک پرژکتور قوی نمایش دادیم که تا حد

زیادی توجه رهگذران را جلب می‌کرد. شاید در وهله اول تبلیغی به نظر می‌رسید اما با خواندن یک یا دو جمله هر رهگذری روی آن مکث می‌کرد. بعضی ایستادند و تا به آخر آن را دنبال کردند و بعضی هم شروع به فیلمبرداری کردند. یک دانشجوی کارگردانی به ما نزدیک شد و خیلی از محتوا و فرم کارمان خوشحال بود و کمی در مورد وضعیت سیاسی ایران بحث کرد و بیانیه‌مان را با دقت خواند و اعلام همبستگی کرد. یک زن یوگسلاویایی – فرانسوی هم مدت زیادی در مورد وضعیت زنان در خاورمیانه و اروپا بحث کرد و معتقد بود که همه فکر می‌کنند در اروپا وضعیت زنان خوب است اما این واقعی نیست و یک فریب بزرگ است. از شعارهای مان در مورد همبستگی جنبش زنان استقبال کرد و گفت: «مادر و پدر من هر دو مبارز بودند. پدرم حساسیت زیادی به مسأله زنان داشت و من از این خیلی خوشحالم». ما تا جایی که می‌شد با علاقمندان وارد بحث می‌شدیم اما هم به علت اینکه نمی‌توانستیم زیاد در آن محل بمانیم و هم به علت اینکه امکانات فنی ما بیش از این پاسخ نمی‌داد محل را ترک کردیم اما این یک پایان خوب برای روز مبارزاتی ما بود.

نمایش قدرت زنان در مقابل قصرهای «امن» ارتجاع - آکسیون در مقابل کاخ الیزه - پنجشنبه ۲۸ ژانویه ۲۰۱۶:



روز دوم را در حالی شروع کردیم که کم اخبار توافقات و قراردادهای دیدارها بیرونی می‌شد و این موضوع لحظه به لحظه به خشممان می‌افزود اما همه خودمان را برای یک مبارزه‌ی جانانه آماده می‌کردیم. لحظه به لحظه حضور روحانی در مکان‌های مختلف را دنبال می‌کردیم چون پیش‌تر تصمیم گرفته بودیم که خارج از چارچوب مبارزات قانونی ضرب شستی نشان دهیم؛ نباید می‌گذشتیم مرتجعین مردسالار در آرامش و امنیت برای قربانی کردن هرچه بیشتر مردم به توافق برسند. به همین دلیل منتظر بودیم که خودمان را به نزدیکترین محل برسایم. خبردار شدیم که روحانی ساعت ۱۵ به کاخ الیزه خواهد رفت. تعدادی از ما هم تصمیم گرفتیم که همان‌جا به «استقبال» او برویم؛ در مکانی که در حالت معمول هم فضای آن امنیتی است و برآورد دوستان ساکن پاریس هم این بود که تقریباً نزدیک شدن و انجام آکسیون غیرممکن است. اما تصمیم گرفتیم حداکثر تلاش‌مان را بکنیم حتی اگر نتوانستیم به مقابل کاخ برسیم در همان خیابان الیزه که مشرف به کاخ است مردم را خطاب قرار دهیم.

وقتی به نزدیکی محل رسیدیم کاملاً واضح بود که تعداد ماشین‌ها و نیروهای امنیتی چندین برابر رهگذران است و از همه برای رسیدن به خیابان مجاور سواستی می‌شود. خودمان را از طریق خیابان‌های مجاور به مقابل در اصلی کاخ رساندیم و در یک کافه طرح کار را مرور کردیم. به خاطر حضور نیروهای امنیتی که هر چند متر یکی ایستاده بودند، رفت و آمد عادی قطع شد ولی تعداد زیادی خبرنگار و نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی در مقابل در کاخ ایستاده بودند. چند نفر از خبرنگاران وارد همان کافه شدند، اما ما نتوانستیم اطلاعاتی بیشتری از آن‌ها به دست بیاوریم. انجام کار تقریباً غیرممکن به نظر می‌رسید؛ ما یک پرچم ۱۵ متری منقش به شعار اصلی‌مان (ما نه تنها به سفر روحانی بلکه به کلیت نظام مردسالار امپریالیستی حاکم بر جهان معترضیم!) را به همراه داشتیم و با این تعداد نیرو احتمال می‌دادیم که پیش از باز کردن پرچم دستگیر شویم و موفق به باز کردن آن نشویم. با این حال خودمان را به نیش خیابان مقابل در کاخ رساندیم که شاید چند ده متری از در کاخ فاصله نداشت و در یک حرکت سریع پرچم را باز کردیم و ناباورانه نه تنها آن را باز کردیم بلکه نتوانستیم آن را باز نگه داریم. در همان لحظه اول که پرچم را باز کردیم سه مرد فرانسوی که فکر کردند حمله صورت گرفته خودشان را با ترس درون خانه انداختند و سیل پلیس و لباس شخصی و دوربین و ... به طرف ما برگشت. در عرض چند ثانیه نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی روی ما ایستاده بودند و با هول و عصبانیت از ما فیلمبرداری می‌کردند. ما بعد از این که مطمئن شدیم پیام روی پرچمان کاملاً خوانده و درک شده با سرعت از محل دور شدیم، اما ظرف چند ثانیه پلیس ویژه ما را متوقف کرد. نکته جالب این که وقتی مجدد جمله روی پرچم را خواندند و به کلمه‌ی سیستم رسیدند به هم اشاره دادند که باید ما را با خود ببرند؛ مشخص بود که اگر فقط ما به سفر روحانی معترض بودیم قابل قبول‌تر بود. به هر حال این موضوع زیاد طول نکشید ولی برای دستگیری یا عدم دستگیری ما اختلاف داشتند، معتقد بودند که اگر ما را آزاد کنند دوباره همان کار را خواهیم کرد و به همین دلیل ابتدا پرچم ما را ضبط کردند. وقتی می‌خواستند ما را آزاد کنند پلیس رسماً به ما گفت: «اگر می‌خواهید فعالیت کنید بروید روی اینترنت، نه در خیابان!» دقیقاً همان کاری که ما از آن اجتناب داریم چون کماکان معتقدیم: «سرنوشت جمهوری اسلامی در خیابان تعیین می‌شود!». با وجود این که به علت هجوم پلیس و موقعیت محل نتوانستیم عکس یا فیلمی از این آکسیون مهم تهیه کنیم اما خوشحال بودیم و هستیم که نتوانستیم در آن جو امنیتی مقابل کاخ الیزه به هدفمان دست پیدا کنیم و پیام زنان ایران و مبارزات‌مان را به گوش هر دو واپس‌گرای مردسالار برسایم. هرچند که ظاهراً هیچ رسانه‌ای جرأت انعکاس آن را به خود راه نداده است، برخلاف پوشش خبری که به آویزان شدن یک زن فتن دادند و تیتر خبری بسیاری از رسانه‌ها شد اما تا این لحظه خبری از این فعالیت در هیچ رسانه‌ای درج نشده است و می‌دانیم که دقیقاً اشکال کار همان «کلیت سیستم» است که برای دیده شدن نباید به آن نزدیک شد. به قول یکی از دوستان از مبارزات ۸۸ تا امروز این‌قدر آرنالین خون‌مان بالا نرفته بود. اما نتوانستیم به هدفمان دست پیدا کنیم و در عرض چند ثانیه و با حداقل امکانات صف منظم و نظم ظاهراً شکست ناپذیرشان را بهم بریزیم. به یاد دستپاچگی و نگرانی چهره‌ی نیروهای امنیتی ایرانی که می‌افتادیم بیشتر لذت می‌بردیم. خوشحال بودیم که نگذاشتیم در قلب اروپا و در قلب کاخ‌های به ظاهر امن‌شان، خروش فردای ستمدیدگان و زنان را فراموش کنند.

مبارزه‌ای در چارچوبه‌ی تنگ فکری و عملی - مقابل مجلس سنا - پنجشنبه ۲۸ ژانویه ۲۰۱۶:

همزمان با آکسیون‌مان مقابل کاخ الیزه سایر دوستان خودشان را به محل دومین روز مبارزه رساندند. در فراخوان اولیه‌ی این کارزار گویا میدانی درج شده بود که به سفارت ایران نزدیک بود اما روز چهارشنبه در محل آکسیون اعلام شد که محل تجمع روز دوم در مقابل مجلس سناست که البته خود این ناهماهنگی در کار برگزارکنندگان باعث شد که عده‌ای که روز اول نبودند یا به محل نرسند و یا دیر برسند. خوشبختانه استقبال از بیانیه‌هایمان زیاد بود و مجبور بودیم تعداد بیشتری بیانیه تکثیر کنیم و خودمان را به محل برسایم. اما برخلاف دیروز آکسیون امروز در محل کوچکی بود که در اصل بخشی از پیاده روی محصور بود و فضای کمی برای هر حرکت و عمل سیاسی ایجاد می‌کرد. نسبت به دیروز تعداد نیروها کمتر و ظاهراً برنامه‌ریزی زیادی هم برای پیشبرد کار انجام نشده بود. بعضی از افراد کمیته‌ی برگزاری نه خودشان ابتکار عمل برای شعار دادن و ایجاد جو مبارزاتی را در دست می‌گرفتند و نه به دیگران اجازه این کار را می‌دادند. گویی محدودیت فقط در فضا و حیطةی عمل نبود. در یک مورد، یکی از رفقای زن ما که روز قبل هم چندین مصاحبه با شبکه‌های مختلف داشته بود، از طرف یک رسانه دعوت به مصاحبه شد ولی یکی از برگزارکنندگان گفت که «شما «حق» نداری مصاحبه کنی! چون شما دیروز هم خودتان را به عنوان نماینده‌ی جمع معرفی کردید»، دوست ما نیز به درستی پاسخ داد که «ما هرگز خودمان را نماینده‌ی جمعی که مردسالارانه برخورد کنند ندانسته و نمی‌دانیم». البته این برخورد مربوط به تمام برگزارکنندگان نبود و خیلی از حاضرین هم به این برخورد که مصداق سانسور و خشونت کلامی است اعتراض کردند. اما در کل کیفیت و کمیت مبارزه‌ی روز دوم به شدت پایین‌تر از روز اول بود تا جایی که در تجمعی که با بیانیه‌ی سرنوشت تمامیت نظام جمهوری اسلامی گرد آمده بودند، یک فرد یا جریان عکس زهرا رهنورد را به همراه آورده بود، زهرا رهنوردی که چهره‌ی شناخته شده‌ای از یک جناح در جمهوری اسلامی است و

تاریخ در تثبیت ایدئولوژی جمهوری اسلامی و خصوصا تنوریزه و نهادینه کردن حجاب اجباری سابقه‌ی طولانی داشته و برای تداوم جمهوری اسلامی از هیچ کاری فروگذار نکرده است.

علاوه بر محدودیت سیاسی، محدودیت امنیتی هم روی این آکسیون سایه انداخته بود و پلیس و پلیس مخفی‌ها به شدت به جمع فشار می‌آوردند. در یک مورد که یکی از زنان ۸ مارس از آن جمع خارج شده بود تا بیانیه‌هایمان را در خیابان مجاور پخش کند پلیس جلوی او را گرفته بود و حتی پلیسی به زبان آلمانی آمده بود تا بگوید او حق ندارد بیانیه پخش کند، دوست ما هم گفته بود که «ما به اندازه کافی ستم دیده‌ایم و از این تهدید نمی‌ترسیم و من حتما بیانیه‌هایم را پخش خواهم کرد». به هر حال با همه این مشکلات و فشارهای درونی و بیرونی آکسیون روز دوم هم به پایان رسید.

ما در این دو روز تلاش کردیم تا به راستی صدای زنان ایران باشیم. فریاد زنانی که صدای خرد شدن استخوان‌هایشان در زیر چرخ هزاران هزاران قانون ارتجاعی و شریعت اسلامی را کسی نمی‌شنود. ما سعی کردیم صدای اکثریتی باشیم که تحت ستم اقلیتی قرار دارند که دولت فرانسه برای کسب منافعش آگاهانه برای آنان فرش قرمز پهن کرد. ما سعی کردیم این پیام را به گوش جامعه‌ی مترقی فرانسه برسانیم که این حکومت انتخاب مردم ایران و خصوصا زنان ایران نبوده و نیست و زنان ایران فقط با آگاهی و مبارزه‌ی متشکل می‌توانند به سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و امپریالیست‌های مردسالار خاتمه دهند تا به خلق جهانی بدون ستم و استثمار یاری رسانند. به امید این که در بین هیاهوی این همه نیروی واپس‌گرا، صدایی که رو به آینده دارد را رساتر کنیم.

سازمان زنان ۸ مارس (ایران - افغانستان)

۳۱ ژانویه ۲۰۱۶

www.8mars.com

zan_dem_iran@hotmail.com

<https://facebook.com/8Mars.org>

* بخشی از پیام سازمان زنان ۸ مارس در پاریس:

<https://youtube.com/watch?v=NViOgZbbL40>

- گزارش تصویری از اعتراض به سفر روحانی به پاریس - چهارشنبه ۲۷ ژانویه ۲۰۱۶ - میدان رپوبلیک

http://8mars.com/8MARS_GOZARESH/Gozaresh27.01.2016Republique2.pdf

- گزارش تصویری از نمایش دیواری شبانه - افشاگری از جمهوری اسلامی در مرکز شهر پاریس (کتابخانه ژرژ پومپیدو) - ۲۷ ژانویه ۲۰۱۶

http://8mars.com/8MARS_GOZARESH/Gozaresh27.01.2016-night.pdf

- گزارش تصویری از اعتراض به سفر روحانی به پاریس - پنجشنبه ۲۸ ژانویه ۲۰۱۶ - مقابل مجلس سنا

http://8mars.com/8MARS_GOZARESH/Gozaresh28.01.2016-Sena.pdf